



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۵ ماه جولای ۲۰۲۳

داکتر عبدالرحمن زمانی

قیام سال ۱۳۲۴ صافی های گنر علیه رژیم خاندانی نادرشاه (۴)

(از لابلای اسناد آرشیف انگلستان)

آمادگی برای سرکوب مسلحانه، جواب حکومت خاندانی به خواسته های اقوام گنر

حکومت پلان آمادگی سرکوب مسلحانه مردم گنر را بعد از آن گرفت که نتوانست سران قوم صافی را مثل ملک قیس و سران دیگر قومی سمت مشرقی اول برای مذاکره دعوت و بعد از آن دستگیر کند. به اساس اسناد آرشیف انگلستان، عبدالله خان وردک نائب الحکومه مشرقی از سران معروف قومی صافی به شمول سلطان محمد خان صافی از دره پیچ دعوت نمود تا در جلال آباد با او ملاقات نمایند. اما آنها ازینکه مثل ملک قیس به دام نه افتند، دعوت آمدن به جلال آباد را رد نمودند. (آرشیف انگلستان، راپور شماره ۲۴، مؤرخ ۱۲ جون استخبارات انگلیس)

نائب الحکومه بعد از آن با حاکم کلان گنر و اسما در ماماخیل [مرکز تابستانی ولایت ننگرهار] ملاقات نموده از او خواست با استفاده از تمام امکانات ملک های صافی مخصوصاً میرسلام خان و ماموند خان دره دیوه گل را وادار کند، به جلال آباد بیایند. به اساس همین گزارش، سید عباس پاچای اسلامپور هم دعوتنامه را از صدراعظم دریافت نموده بود تا از کابل بازدید کند. اما او تا آنوقت در رابطه با قبولی این دعوت تصمیمی نگرفته بود، چون مشکوک بود مثل برادرش، بابا جان [پاچا]، در کابل تحت نظارت باقی نماند.

آماده گی حکومت خاندانی برای سرکوب مسلحانه اقوام گنر

بعد از آنکه جرگه سردار هاشم خان با سران قومی گنر به نتیجه نرسید، و سران قوم صافی از سرنوشت ملک قیس نجات یافتند، حکومت آمادگی سرکوب مسلحانه مردم گنر را بیشتر و سریعتر ساخت. برخی ازین آمادگی ها عبارت بودند از:

۱. آمادگی مامورین صحتی برای حالت اضطراری: اولین اقدام صدراعظم درین رابطه ملاقات با غلام یحیی خان وزیر صحتیه بود. از او خواسته شد تا برای حالت اضطراری تدابیر آمادگی مامورین صحتی را بگیرد.
۲. تشکیل دو لوای جدید احتیاطی: حکومت خاندانی تصمیم گرفت برای تقویت قوای مرکز، آنعده از عساکری را که قبلاً دوره خدمت عسکری شان ختم و مرخص شده بودند، دوباره به خدمت عسکری فراخوانده و آنها را در دو لوای احتیاطی پیاده تنظیم کند. البته توسعه این دو لوای احتیاطی مربوط به چگونگی انکشاف اوضاع دره گنر بوده و در صورتی که اوضاع به وخامت نگراید، تعدادی از آنها دوباره مرخص خواهند شد. «تشکیل دو لوای احتیاطی گرچه میتواندست به واحد های نظامی سمت مشرقی

د پانو شمیره: له 1 تر 6

کمک کند، اما بدون شک حکومت برای مجهز ساختن این دو لوا با کمبود اسلحه، سامات آلات و لباس روبرو بود». (اسناد استخبارات ستراتیژیک افغانستان، آرشیف سالهای ۱۹۱۹ تا ۱۹۴۷)

۳. **انتقال قوا از واحد های نظامی دیگر:** ارسال قوا از جاهای دیگر مثل قندهار، بغلان و مزار شریف هم در نظر گرفته شد، اما از آنجائیکه اکثریت لاری های عسکری در جنوبی و مشرقی مصروف بودند، کمبود وسایل ترانسپورتهی این نقل و انتقال قوا از مراکز نظامی دیگر را به تعویق انداخته میتوانست.

۴. **تهیه وسایل ترانسپورتهی بیشتر:** درین زمینه اقدامات آتی صورت گرفت:

- دریافت لاری های امریکائی: حکومت افغانستان که از سفارت ایالات متحده امریکا یک هزار عراده موتور باربری (لاری) را تقاضا نموده بود، خواست تا ۴۰۸ عراده آنرا در همین سال ۱۹۴۵ ارسال کند.

- آموزش میخانیک های افغان توسط انگلیس ها: تصمیم گرفته شد تا ۱۴ نفر میخانیک برای آموزش توسط جنرال موتور بمبئی به هند بریتانوی فرستاده شوند. به تعداد ده نفر در رشته ترمیم عراده جات تیزرفتار و لاری، دو نفر در رشته تحویل داری و حواله پرزه جات، و دو نفر هم در رشته نگهداری و ترمیم تایرها آموزش خواهند دید.

- ساختن بادی های موتور های لاری: حکومت از انگلیس ها خواست تا قبل از ورود موتور های باربری امریکائی به افغانستان هرچه زود تر یک هزار بادی این عراده جات را در هند بریتانوی آماده کند. قبل از آن در نظر بود کمپنی جنرال موتور انگلیسی این بادی ها را به قیمت فی عراده دو هزار روپیة هندی در کابل با استفاده او مواد داخلی تهیه کند.

۵. **انتقال طیارات عسکری به جلال آباد:** یکی از مشکلات بزرگ اکمالات عسکری از راه زمین به گنر نبودن یک پل مطمئن بر دریای کابل بود. در آن وقت تنها پلی که مورد استفاده ترافیک بین کابل یا جلال آباد و گنر قرار میگرفت یک پل ضعیف در «درونته» بود. حکومت برای جلوگیری از خرابی این پل نه تنها از عبور عراده جات باردار جلوگیری میکرد، بلکه استفاده موتور های غیر دولتی ازین پل را نیز ممنوع قرار داد. حکومت همچنان برای جبران این مشکل و تقویة واحد های نظامی از طریق هوا تصمیم گرفت تا چهار طیاره نظامی نوع «هند - Hind» را از کابل به جلال آباد انتقال دهد. راپور انگلیس ها حاکیست که حکومت افغانستان به نقش استفاده از قوای هوایی در ناآرامی های قبایلی بیشتر پی برده است. حکومت در سال ۱۹۳۹ میتوانست از ۲۲ فروند طیاره انگلیسی «هند» و از جمله ۱۲ فروند طیاره ایتالوی «رومیو» تنها از ۱۲ فروند آن در چنین مواقعی استفاده کند. اما حال طیارات ایتالوی از کار افتاده، از جمله طیارات انگلیسی تنها ۱۲ فروند آن قابل استفاده بوده، سه فروند آن تحت ترمیم قرار داشته و سه فروند آن هم در ورکشاپ منتظر رسیدن پرزه جات بودند.

راپور سفارت انگلیس در کابل حاکیست که «از قوای هوایی در عملیات علیه صافی های گنر بصورت وسیعی استفاده خواهد شد. گرچه حکومت در عملیات علیه قبایل دیگر پشتون، از بمباردمان و استفاده از ماشیندار، چنین میلانی را نشان نخواهد داد». (همانجا)

۶. **جلوگیری از کمک اقوام دیگر به مردم کُتر:** حکومت با ترسی که از حمایت گروپ های مهمند، باجوړی و صافی آنسوی خط دیورند از صافی های کُتر و امکان ایجاد مشکلات در سرکوبی آنها داشت، دست به یک سلسله اقداماتی زد.

هاشم خان از یکطرف با استفاده از پول ذریعۀ پاچاگل خواست توجه اقوام آن منطقه سرحد آزاد را منحرف و دست به تبلیغات آمادگی علیه حملۀ احتمالی اتحاد شوروی بزند، که البته این کار با هم آهنگی با انگلیس ها صورت گرفته و قوای انگلیسی همزمان اعمار تاسیسات نظامی را در منطقه گنداب سرحد آزاد آغاز نمودند.

از طرف دیگر تلاش های هم صورت گرفت تا محمد یوسف، معروف به گل صاحب، پسر ارشد سید امیر جان یکتن از مخالفین معروف و سرسخت انگلیس ها را که به «ملا صاحب بابره» معروف بود، به کابل دعوت و از او درین زمینه خواهان همکاری شود.

«به حوالۀ پراگراف دوم خلاصۀ هفته وار شماره ۲۳ سال ۱۹۴۵ حال تائید شده است که گل صاحب بابره دوباره برای مذاکرات بیشتر با مقامات به کابل رفته است. صدراعظم به او گفته است که مدد معاش او تحت شرایط ذیل داده خواهد شد:

مدد معاش او از طریق پاچاگل داده خواهد شد.

یکی از پسران او باید برای کسب تحصیل تحت نظارت حکومت به کابل فرستاده شود.

او باید از نفوذ خود استفاده نموده تفنگ های حکومت را که در دوران اغتشاش سال ۱۹۲۹ توسط مهمند های منطقه او ضبط شده بود، بازگرداند.

گل صاحب وعده داد است تا در باره این شرایط فکر کند. او به تاریخ ۱۲ جون به خانه برگشته و به پیروانش گفته است که تصمیم ندارد شرایط حکومت را بپذیرد. گفته میشود عمده ترین نکته مورد اعتراض او شرط گرفتن مدد معاش از طریق پاچاگل رقیب او میباشد، کسی که مشتاق تضعیف نفوذ اوست». (راپور شماره ۲۵، مؤرخ ۲۳ جون سال ۱۹۴۵ استخبارات انگلیس)

۷. **ارسال جواسیس و تحایف و مبالغ هنگفت پول به کُتر:** «بعد از جرگه و فیصلۀ صافی های کُتر که در مقابل تلاش حکومت برای گرفتاری ملک های شان، سلطان محمد خان درۀ پیچ و میرسلام خان درۀ باویل، مقاومت خواهند کرد، تعداد زیادی از مامورین استخبارات حکومت به منطقه کُتر فرستاده شد. به تاریخ ۲۴ ماه می «میا های» کُتر برای تبلیغات به نفع حکومت تحایف پولی مقامات را گرفتند. (راپور شماره ۲۰، مؤرخ ۱۹ می سال ۱۹۴۵ استخبارات انگلیس.)

چرا خاندان حاکم تصمیم سرکوب مسلحانۀ مردم کُتر را گرفت؟

از مطالعه اسناد آرشیف انگلستان بنظر میرسد که تصمیم سرکوب مسلحانۀ مردم کُتر بعد از بازگشت سردار هاشم خان از سمت مشرقی در ماه حمل سال ۱۳۲۴ گرفته شده است. در گرفتن این تصمیم چند علت عمده نقش داشت:

د پانو شمیره: له 3 تر 6

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de یادونه: دلیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله لیکنه له رالیولو مخکي په خیر و لولئ

اول - با آوردن فشار بر قوم صافی که در بین چهار قوم سمت مشرقی از نظر نفوس نسبتاً کوچکتر و ضعیفتر، از نظر موقعیت جغرافیوی از تگاب تا لغمان و کُنر پراکنده تر و از نظر امکانات مالی نا توانتر بود، حکومت توقع داشت سیستم جدید مکلفیت عسکری را به آسانی بر آنها بقبولاند. این پیروزی بر کُنری ها میتوانست ناکامی تلاش های هاشم خان را جبره و حیثیت حکومت خاندانی را اعاده کند. در مکتوب محرمانه مؤرخ هفتم جولای ۱۹۴۵ سفارت انگلیس در کابل درین رابطه میخوانیم که «در حالیکه [خاندان حاکم] افغان از هیچ نوع تلاشی دریغ نخواهد کرد تا با صافی ها از طریق اعمال فشار یا مذاکره کنار بیاید، آنها [خاندان حاکم] احتمالاً احساس میکنند که بخاطر حفظ حیثیت و پرستیژ حکومت در بین اقوام سمت مشرقی باید به صافی ها درس شدیدی بدهند، تا در نهایت تمام اقوام را به قبول کردن سیستم جدید مکلفیت و ادار سازند». (اسناد استخبارات استراتژیک افغانستان. مکتوب محرمانه مؤرخ ۷ جولای ۱۹۵۴، خلاصه استخباراتی هفته وار شماره ۲۷)

دوم - اختلافات و دشمنی دیرینه سردار محمد هاشم خان با مردم کُنر و رهبر قومی آنها غازی میرزمان خان که سابقه طولانی داشته و به دوره امانی برمیگردد، گرچه خود غازی میرزمان خان کُنری درین وقت حیات نداشته، و در ماه جنوری سال ۱۹۲۹ میلادی حین تلاش های تاریخی اش برای تحکیم رژیم امانی طی یک دسیسه دشمنان خارجی و داخلی افغانستان هنگام نماز خفتن در مسجد شینکوپک کُنر ها به شهادت رسیده بود.

سوم - حکومت خاندانی در عین زمان خواست تا موضوع کُنر را از موضوعات دیگر داخلی تجرید و در مجموع توجه مردم را از مشکلات و مسائل داخلی به موضوعات خارجی و جنگ جهانی منحرف سازد.

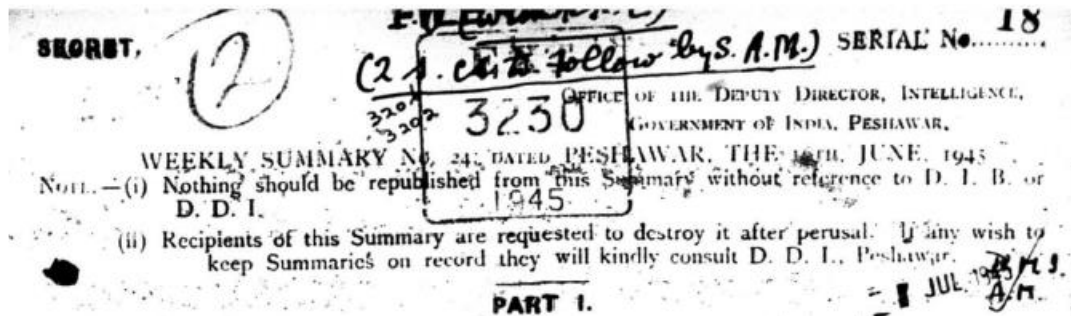
شاه و صدراعظم و وزیر خارجه بتاريخ ۲۹ مارچ ۱۹۴۵ در ارگ ملاقات های محرمانه داشتند. بعد از آن با تعدادی از اعضای شورای ملی در مورد انکشافات داخلی کشور و انکشافات جنگ جهانی دوم مشوره نمودند، و مناسبات افغانستان با انگلیس ها و امریکائی ها و همچنان مناسبات با اتحاد جماهیر شوروی را مورد غور و بررسی قرار دادند. شاه و صدراعظم بعد از آن هم به تاریخ های ۳۰ و ۳۱ ماه مارچ به بحث های شان پیرامون امور داخلی و خارجی ادامه دادند. (آرشیف انگلستان، راپور شماره ۱۴، مؤرخ ۷ ماه اپریل استخبارات انگلیس).

در پهلوی انکشافات داخلی کشور بشمول خرابی اوضاع اقتصادی، قحطی مواد غذایی در شمال و وخامت اوضاع امنیتی ناشی از قیام مسلحانه قوم خُدران تحت رهبری زمرک خان خُدران در سمت جنوبی، و ناکامی صدراعظم هاشم خان در پیاده نمودن نظام جدید مکلفیت عسکری در سمت مشرقی، انکشافات جنگ جهانی دوم در اروپا، بخصوص ضعف مقاومت آلمان، به نگرانی خاندان حاکم می افزود و اتحاد جماهیر شوروی را در محراق توجه زمامداران افغانستان قرار میداد.

اخبار سقوط برلین و تسلیمی آلمان، و ترس از مناسبات بعد از جنگ با اتحاد جماهیر شوروی خواب را از چشمان هاشم خان، مقتدرترین فرد خاندان حاکم، ربوده بود و نیاز به مشوره های طولانی تر را بیشتر میساخت. به اساس گزارشات استخباراتی انگلیس ها صدراعظم هاشم خان به مرض بیخوابی (Insomnia) مبتلا و تحت تداوی قرار داشت.

عامل دیگری که بر پریشانی خانواده حاکم می افزود سرنوشت غلام صدیق خان چرخمی بود. غلام صدیق خان چرخمی وزیر امور خارجه دوره امانی که بعد از سقوط سلطنت غازی امان الله خان با وی به خارج رفته بود، در برلین زندگی میکرد. چرخمی از جمله حامیان مهم غازی امان الله خان و فعالین مخالف خاندان حاکم شمرده میشد و در آنجا توسط الله نواز خان سفیر افغانستان در آلمان و مامورین استخبارات انگلیس تحت نظارت قرار داشت. بعد از سقوط برلین خاندان حاکم سخت میکوشید از سرنوشت این دشمن دیرینه شان آگاهی پیدا کند. (راپور شماره ۱۹، مؤرخ ۱۲ می ۱۹۵۴ استخبارات انگلیس)

مطالعه اسناد و گزارش های استخباراتی انگلیس نشان میدهد که اعضای برجسته خاندان حاکم بصورت منظم در جلسات خانواده گی اوضاع را بررسی نموده و با تقسیم وظایف و مسئولیت ها، همه با وجود رقابت ها و اختلافات سلیقوی، برای حفظ سلطه خاندانی شان همکاری نزدیک و سعی دسته جمعی داشتند. درین زمینه شاید ذکر نمونه ذیل که آمادگی خاندان حاکم برای مقابله با تغییرات اوضاع و اولین نشانه تمایلات به روسیه سردار محمد داؤد خان را نشان میدهد، خالی از دلچسپی نباشد:



On 12th June the Premier interviewed members of the Tribal Office and gave them anti-Russian propaganda material.

Sardar Muhammad Daud Khan (W. W. 238), Commandant of the Kabul Army Corps, is reported to have expressed pro-Russian sentiments at recent meetings with Soviet officials. He is believed to be trying to gain the confidence of the Embassy.

- به تاریخ ۱۲ جون [۱۹۴۵] صدراعظم با اعضای دفتر قبایل صحبت نموده و به آنها مواد تبلیغاتی ضد روسی را داد.
- گزارش داده شده است که سردار محمد داؤد خان، قوماندان قوای مرکز کابل، [کسیکه از نظر وظیفه هیچ سروکاری با دیپلوماسی و سیاست خارجی نداشت] در ملاقات های اخیرش با مامورین روسی احساسات هواداری از روسیه را نشان داده است. عقیده بر آنست که او میخواهد اعتماد سفارت روسیه را حاصل کند.

د پانو شمیره: له 5 تر 6

تغییرات در جبهات جنگ جهانی، مخصوصاً تغییر موضع ترکیه و مصر (دو کشوری که گویا افغانستان بحیث یک کشور اسلامی در سیاست خارجی از آن پیروی میکرد)، احتمال آزادی هند و ترس از دست دادن حامی مقتدر در منطقه (انگلیس)، بیدار شدن دوباره احساسات ضد انگلیسی مردم و هراس حکومت از حمایت آشکار منافع انگلیس ها سبب شده بود تا حکومت خاندانی از یکطرف برای پر کردن تکیه گاه آینده اش پیش بین بوده و از طریق سردار محمد داؤد خان با اتحاد شوروی مناسباتی داشته باشد و از طرف دیگر تبلیغات وسیع ضد روسی را علیه آن کشور ضد اسلامی براه انداخته و با استفاده از مهاجرین بخارائی به جمع آوری اطلاعات برای انگلیس ها پردازد. «صدر اعظم مقدار هنگفت پول را به نایب الحکومه های ولایات برای تبلیغات اختصاص داده و از اعضای جمعیت العلماء نیز خواست درین راه با استفاده از نفوذ مذهبی شان کمک کنند». (راپور شماره ۲۱، مؤرخ ۲۲ می استخبارات انگلیس)

(ادامه دارد)

د پانو شمیره: له 6 تر 6

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هيله من یو خپله لیکنه له رالیرولو مخکې په څیر و لولئ